

نظری بر کتاب زنان افغان زیر فشار عنقه و تجدد

تألیف داکتر سید عبدالله کاظم

(۴)

وضع زنان در دوره طالبان:

در نظام ایدئولوژیک طالبان، قوانینی که در نظام اسلامی دولت ربانی وضع شده بود، بشدت مورد تطبیق قرار گرفت و اداره « امر بالمعروف ونهی از منکر » دمار از روزگار زنان برآورد. زنان از حق تحصیل در مکاتب عصری و کار در ادارات دولتی محروم ساخته شدند و حتی قیودات شدیدی بر بیرون رفتن زن از منزل وضع گردید. زنانی که محرم شرعی نداشتند حتی برای خرید مایحتاج روزمره خود دچار رنج فراوان بودند. معهذاً اگر زنی با محرم شرعی خود بیرون میرفت، حق نداشت دست به آرایش خود بزند و لباس پاک و تمیز بپوشد تا مردان بالغ دچار وسوسه نشوند. رفتن زن مریض به نزد دکتور مرد قدغن شد، و اکثر مادران در هنگام زایمان به علت عدم واریسی دکتوران مرد جان میدادند. رانندگان تاکسی و بس ها اجازه نداشتند زنانی را در موتر خود سوار کنند که چادری نپوشیده و بجای آن از روسری یا چادر ایرانی استفاده میکردند. هر مردی اگر باخانمی بیرون میرفت، باید اسنادی که محرمیت زن و مرد را ثابت میکرد با خود میداشت، در غیر اینصورت به عنوان زن و مرد بدکاره با سرنوشت شومی روبرو میشد. شنیدن موسیقی در موتر و هتل و رستورانها و حتی در منزل همراه با دیدن تلویزیون و شادمانی کردن با خنده بلند ممنوع شد.

مؤلف کتاب «زنان افغان زیر فشار عنقه و تجدد» داکتر سید عبدالله کاظم، فصل هفدهم کتاب خود را به طالبان و وضع قیود بر زنان اختصاص داده و پس از شرح چگونگی ظهور و عروج طالبان در افغانستان و مقایسه ایدئولوژیک آنها با اسلامگرایان اخوانی، در مورد قیود بر زنان افغانستان از سوی طالبان یک سلسله نکاتی را تذکر میدهد که در ماه اکتوبر ۱۹۹۷ بطور مکرر از آن طریق رادیو شریعت نشر میشده است و عبارت بودند از:

- ۱- همه مردان باید ریش بگذارند، و حق ندارند آنرا اصلاح کنند تا اندازه ایکه امکان دارد باید ریش گذشته شود. سلمانیهایی حق ندارند ریش مردان را اصلاح کنند، در صورت تخلف مجازات میشوند.
- ۲- مردان حق ندارند بدون کلاه و یا عمامه (دستار) از خانه بیرون شوند و همچنان حق ندارند از لباسهای اروپائی استفاده کنند. زیرا لباس اروپائی غیر اسلامی است.
- ۳- ورزشکاران هنگام تمرین و یا مسابقه لباسی بتن داشته باشند که قسمت های از بدن شان را نپوشاند. ورزشکاران نباید از نیکر استفاده کنند.
- ۴- زنان حق کار و تحصیل را ندارند.
- ۵- زنان حق پوشیدن لباسهای رنگه روشن را که جلب توجه کند، ندارند.
- ۶- زنان حق گشت و گذار را در بازار جهت خریداری اشیای مورد ضرورت خویش ندارند، مگر اینکه با برادر یا شوهر خویش باشند و برادر و شوهر شواهد دال بر محرم بودن را با خود داشته باشند.
- ۷- صاحبان مغازه ها حق ندارند به زنانی که تنها مراجعه میکنند، جنسی را بفروش برسانند. در صورت سرکشی از حکم مورد مجازات قرار گیرند.
- ۸- زنان حق پوشیدن تبنان رنگ سفید را ندارند.
- ۹- زنان حق پوشیدن بوتهای کبری بلند را ندارند، زیرا صدای بوت زنان، مردان را تحریک میکند.
- ۱۰- زنان حق مراجعه به شفاخانه و حتی زایشگاه را بدون همراهی محرم خویش ندارند.
- ۱۱- شیشه کلکین خانه ها باید رنگ سیاه شوند تا زنان از درون خانه های شان به مردانی که در کوچه میگذرند، دیده نتوانند.
- ۱۲- داشتن تصویر، ساختن تصویر، نصب تصویر، اعم از حیوان و انسان یک عمل غیر اسلامی است.

دپانو شمیره: له ۱ تر ۶

افغان جرمن آنلاين تاسو په درنښت همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de يادښت: دلېکنې د ليکنيزې بڼې پښوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په څير و لولې

۱۳- رانندگان موترها باید آئینه عقب نما را از موترهای خود دور کنند تا زنانی را که در سیت عقبی می نشینند، دیده نتوانند.

بر علاوه فقرات فوق چند محدودیت دیگر نیز بر مشکلات زنان افزوده شد، از جمله :

- مسدود کردن حمامهای زنانه در کابل و هرات (۳۲ حمام)
- بستن مکاتب خصوصی (خانگی) برای دختران و گفته شده بود که هیچ مکتب اجازه ندارد دختران بالاتر از سن ۸ سال را تدریس کند، مگر برای خواندن قرآن.
- منع کار زنان با موسسات امدادی و خیریه خارجی، ولوبا چادری.
- داکتران مرد حق ندارند به معاینه و عملیات جراحی مریضان زن بپردازند.
- خیاط ها حق ندارند بدن زن را اندازه گیری نمایند و مغازه ها نمایش لباس دایر نمایند.
- هیچ راننده مجاز نیست زنان ملبس به چادرهای که صورت را نمی پوشاند یا زنانی که لباس تحریک کننده برتن دارند و یا آنهایی که یک مردم محرم را به همراه ندارند، سوار کنند. در صورت تخلف راننده زندانی و شوهر تنبیه میشود. (زنان افغان زیر فشار عنعنه و تجدد، ص ۴۴۴-۴۴۵)

بدینسان کشور ما در چنگ گروه مذهبی تاریک اندیش و کوتاه بینی افتاد که تصور میکردند علت تمام بدبختی های جامعه ما بخاطر کوتاهی ریش و رفتن زن به مکتب و باسواد شدن آنها و نرفتن در زیر چادری و شنیدن موسیقی و برون رفتن از منزل بخاطر خرید مایحتاج زندگی است. پوشیدن لباس اروپائی و تراشیدن ریش برای مردان نیز ممنوع گردید و تمام مردان مجبور بودند ریش بگذارند. قوانین سنگسار و دست و پای بریدنهای اسلامی رونق گرفت و استدیوم ملی بجای ورزش و مسابقات سپورتی، به میدان قصابی انسانها مبدل شد. دروازه حمام های عمومی مسدود گردید و پوشیدن لباس پاک و تمیز گناه پنداشته میشد. گرفتن عکس ممنوع گردید.



برخورد طالبان با زنان در بیرون از منزل در شهر کابل

وضع زنان بعد از طالبان در دوره حامد کرزی:

پس از حادثه ۱۱ سپتمبر، امریکا آستین ها را بالا زد و نظام طالبان را در کشور درنوردید و بر مبنای کنفرانس بئن، بجای آن یک حکومت عبوری به میان آمد، اما از آنجایی که بخش عمده این حکومت از نیروهای عقبگرای تنظیمی تشکیل یافته بود، اوضاع سیاسی و اجتماعی در کشور در حکومت عبوری و حکومت انتقالی نسبت به زمان طالبان فرق چندانی نکرد. اعمال فشار، دزدی، قتل، بزدان کشیدن افراد در زندانهای خصوصی، اختطاف زنان و پسران و تجاوز برجان و مال و ناموس مردم از مرکز تا ولایات کشور جریان داشت. در چنین شرایطی ترس بر جامعه زن افغان چنان مستولی گردید که هیچ زنی جرئت ندارد بدون برقع یا چادری به بیرون از خانه پا گذارد.

فصل نوزدهم کتاب به تحول و تبارز هویت سیاسی زنان در سالهای پس از سقوط طالبان و حضور جامعه جهانی در افغانستان و تشکیل حکومت حامدکرزی تعلق گرفته است. مولف در صفحه ۵۱۰ کتاب از گردهم آیی خانمها و تقاضای شان یادآور شده مینوسد که: «هنوز کنفرانس بن، پایان نیافته بود که در حدود دوصد خانم افغان از جمله یکده فعالان سیاسی جناح کمونیستی پرچم در حواشی آپارتمان ثریا پرلیکا در کابل اجتماع نموده و آرزومندی خود را برای دور انداختن چادری ابراز کردند. ثریا پرلیکا طی یک مصاحبه با خبرنگار مجله تایم منتشره امریکا گفت: "بعد از چند سال بار دیگر زن افغان از زیر چادری بیرون میشود و میتواند یکی دیگر خود را بشناسد." زنان همراه با ثریا پرلیکا میخواستند به شکل یک مظاهره بسوی اداره ملل متحد در کابل حرکت کنند، ولی پولیس به آنها اجازه اینکار را به دلیل مشکلات امنیتی نداد... پس از ختم کنفرانس بن، مجلس دیگری در بروکسل در مرکز پارلمان اروپا به اشتراک بیش از ۴۰ خانم افغان دایر گردید که از داخل و خارج کشور به آنجا گرد آمده بودند. این مجلس که به کمک موسسات امریکائی و اروپائی دایر شده بود، بعد از سه روز اجلاس، یک اعلامیه پنج صفحه ئی را به پارلمان اروپا سپرد که در آن تأمین کلیه حقوق زنان به حیث یک همشهری و اشتراک زنان حقوقدان در طرح قوانین بعدی به شمول قانون اساسی کشور تقاضا شده بود و علاوه آنها بر بهبود امور صحتی و تربیه و تریبیه زنان تأکید نموده و خواهان کمک و حمایت جهان در این زمینه شدند. خانمهای که از افغانستان به این کنفرانس آمده بودند، با اشاره به ضرورت مبرم موجودیت قوای بین المللی حافظ امنیت علاوه کردند که: "بسیاری از طالبان اکنون ریش ها را تراشیده و دستار های خود را تبدیل کرده اند، اما افکار شان در برابر زنان بجای خود مانده است. زنان از آنها میترسند و جرأت نمیکند چادری را کنار گذارند و آزادانه در محضر عام بیرون شوند." راپوراز مارلیز سایمنز، نیویارک تایمز، مورخ ۸ دسمبر ۲۰۰۱)

در اواسط ماه دسامبر ۲۰۰۱ یک هیئت شش نفری خانمهای افغان به امریکا آمدند و با مقامات کنگرس امریکا و همچنان مراجع حکومتی آنکشور در باره تأمین حقوق کامل زنان در افغانستان مذاکره کردند. یک خانم افغان بنام سحر سبا که منسوب به سازمان (راوا) در پشاور - پاکستان بود، طی سخنانی گفت: "ما انتظار آنرا نمی کشیم که حق ما داده شود، ما باید آنرا بگیریم." آنها در مذاکرات خود با نمایندگان برجسته کمیته روابط خارجی سنای امریکا گفتند که ایالات متحده باید بر حکومت موقت فشار وارد کند تا حقوق کامل زنان را رعایت نماید و در قسمت تقویه بنیه مالی زنان از امداد بین المللی صرف مساعی کند. (راپور: جیمز بورزانگیر، مرکوری نیوز، مورخ ۱۴ دسمبر ۲۰۰۱)

مولف از اولین و دومین دست آورد زنان افغان پس از سقوط طالبان یاد کرده میگوید: بدنبال کنفرانس بن به تاریخ ۲۲ دسمبر ۲۰۰۱ حکومت موقت بریاست حامدکرزی زمام امور را بدست گرفت و همزمان با شروع کار حکومت موقت، وزارت امور زنان نیز تشکیل و شروع به فعالیت نمود که نخستین دست آورد زنان بشمار میرود. دومین دست آورد زنان تجلیل روز بین المللی زن در هشتم مارچ در کابل بود. این اولین باری بود که بعد از مدت طولانی از طرف وزارت امور زنان در عمارت ویران شده زینب ننداری محفل باشکوهی با حضور بیش از یک هزار زن افغان از داخل و خارج کشور و نمایندگان موسسات بین المللی تدویر گردید. در نخستین حکومت انتخابی حامدکرزی سه زن بنامهای مسعوده جلال بحیث وزیر امور زنان، آمنه افضلی بحیث وزیر امور جوانان و صدیقه بلخی بحیث وزیر معیوبین و شهدا حضور یافتند. علاوه برای اولین بار یک زن (حبیبه سرابی) به حیث والی در ولایت بامیان انتصاب شده است که گفته میشود در کارش بهتر از مردان موفق است. دکتر سیماسمر بحیث رئیس کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان یک دهه است که برقرار است. و فاطمه گیلانی به حیث سکرتار جنرال سره میاشت ایفای وظیفه مینماید. (زنان افغان زیر فشار... ۵۱۲، ۵۴۶)

اما باوجود این نقش سبمولیک زنان در دولت کرزی، سازمان نظارت بر حقوق بشر سازمان ملل متحد در گزارش سالانه خود در دسامبر ۲۰۰۲ چنین ابراز نگرانی کرد: زنان و دختران در بخش هایی از افغانستان همچنان تحت فشار و محدودیت های شدید، مزاحمت و بدرفتاری قرار دارند. این گزارش از مطالبی در تلویزیون و روزنامه های محلی هرات نقل قول میکند که در آنها، والی هرات اسماعیل خان به تعیین قواعد رفتار زنان و دختران پرداخته بود. براساس این قواعد، آزادی رفت و آمد زنان محدود شده و زنها و دختران بزرگ سال در هنگام خروج از خانه باید با برقع یا چادری خود را کاملاً بپوشانند. در هرات پولیس بدستور اسماعیلخان، گروه از پسر بچه های مدارس را سازمان داده بود تا رفتار و کردار زنان را تحت مراقبت داشته باشند و به ارگانهای امنیتی گزارش بدهند. در گزارش سازمان نظارت بر حقوق بشر اسنادی ارائه شده که نشان میدهد: شهروندان هرات و زنان و دخترانی که با مردان قدم میزدند یا در ماشین آنها سوار شده اند، و یا حتی با مردان در خانه و در حریم خصوصی خود تنها بوده اند، دستگیر

شده اند. بعد از چنین دستگیری‌هایی زنان از سوی داکتران معاينه ميشدند تا معلوم شود که آیا به ایجاد رابطه جنسی پرداخته اند یا نه و آیا باکره هستند یا خیر؟

بدنبال این سختگیری‌ها، اسماعیل خان دستور داده بود که دختران حق ندارند با پسران یکجا درس بخوانند و بنابراین در پوهنتون هرات صنوف دختران از پسران جدا شد و کورسهای خصوصی حق نداشتند به آموزش دختران بپردازند. بنابر سختگیری‌های که از جانب والی هرات بر طبقه زن هرات و بخصوص دختران جوان تحمیل میشد، صدها دختر جوان بین سنین ۱۷ تا ۲۵ سال دست به خودسوزی زده اند که در نتیجه بسیاری از آنان جان داده اند. سازمان نظارت بر حقوق بشر، همچنان جامعه جهانی را متهم به اتخاذ معیارهای ننگانه کرده است، زیرا در حالی که مبارزه بر ضد طالبان را مشروعیت می بخشد، از فرماندهان و جنگ سالارانی حمایت میکند که حقوق بشر و منجمله حقوق زنان را زیر پا میکنند. (بی بی سی، ۱۷ دسمبر ۲۰۰۲)

لاس انجلس تایمز در ۱۸ نومبر ۲۰۰۲ نوشت: «خودسوزی بطرز وحشتناکی بین زنان جوان در غرب افغانستان رایج شده است. با آنکه احصائیه دقیق در دست نیست، داکتران شفاخانه گزارش داده اند که خودسوزی زنان در حال افزایش است. هر هفته بطور اوسط ۳ دختر مراجعه میکنند که اکثر سوختگی شان هلاکت بارمیشد. داکتران میگویند که در سال ۲۰۰۲ بیش از صد حادثه خودسوزی دختران رخ داده که در اکثر موارد زنان جوان جان خود را باختند.» طبق آخرین آمار به نقل از «دیده بان حقوق بشر» در عهد فرمانفرمایی اسماعیلخان به طور متوسط روزانه ده بار تست بکارت در این شهر انجام میشد. و یکی از علل خودکشی دختران جوان در آن شهر، شاید تست کردن اجباری باکره گی دختران بدستور والی هرات بوده باشد. زیرا دخترانیکه از این آزمون زشت و پست ناکام می برآمدند چون روی بازگشت به فامیل خود نداشتند، برای رهائی از سرزنش خانواده و اقارب خود دست به خودسوزی میزدند.

گزارشها همچنین حاکیست که خودسوزی و خودکشی زنان در این کشور از جمله در ولایت هرات بخاطر محدودیت ها و رفتار خشونت آمیز مردان خانواده اعم از شوهران یا افراد دیگر خانواده، افزایش چشم گیری داشته است. مسئولان هرات با ابراز نگرانی از این وضعیت میگویند دریک هفته در شهر هرات هشت مورد خودسوزی زنان و دختران رخ داده که علت چنین حوادثی بدرفتاری مردان خانواده اعم از شوهران و یا برادران آنان گزارش شده است. بگفته این منابع، اکثر کسانی که به خودسوزی دست زده اند، بین سنین ۱۷ تا ۲۵ سال بوده اند.

یکی از نشانه های زنده کردن دوره طالبان و محروم ساختن زنان از حقوق شان، گردهم آیی شورای علمای دینی افغانستان به دعوت برهان الدین ربانی، سابق رئیس جمهور دولت اسلامی افغانستان و رهبر تنظیم جمعیت اسلامی است که روز ۳۰ اگست ۲۰۰۳ در کابل تدویر یافت و در آن قطعنامه ای صادر کردند که در قانون اساسی جدید باید کلمه دموکراسی حذف شود، چراکه دموکراسی با شریعت اسلامی در تضاد است و نیز نباید زنان با مردان متنسوی الحقوق شناخته شوند، زیرا که در شریعت اسلامی زنان از حقوق مساوی با مردان برخوردار نیستند و همچنان زنان نباید در موسسات غیر دولتی بکار بپردازند و بنابراین قانون اساسی جدید باید کاملاً یک قانون اساسی اسلامی باشد. (بی بی سی، ۳۰ اگست ۲۰۰۳)

زنان کابل پس از شنیدن فیصله شورای علمای اسلامی، از خود واکنش نشان دادند و آن را توهین به مقام زن دانسته، با استدلال و منطق قوی آن فیصله را شدیداً تقبیح کردند و اظهار نمودند که چرا این علما در باره مردان مسلحی که هر شب زنان محتاج و بی شوهر را از این سوی به آنسوی شهر حمل میکنند و از آنان استفاده جنسی میکنند، فیصله و فتوا صادر نمیکنند؟ بگفته این زنان در دو سال پس از سقوط طالبان، چندان بهبودی قابل ملاحظه ای در وضع زنان کشور رونما نشده و فشار و تهدیدهای فرماندهان جهادی، زن افغان را دوباره به عقب زندان چادری رانده است و هنوز سایه شوم حاکمیت تفنگ از سر زنان دور نشده است و به زن به چشم یک وسیله ارضای غرایز جنسی دیده میشود. با سقوط طالبان تلویزیونهای جهان زانی را نشان دادند که برقع از سر می افگندند، ولی حالا دوباره این زنان در پشت چادری زندانی شده اند. طرفداران حقوق بشر ادعا میکنند که اوضاع نسبت به زمان طالبان تغییر چندانی نکرده است (بی بی سی، ۴ جولای ۲۰۰۳)

استبداد مذهبی جنگ سالاران وابسته به گروه های جهادی در افغانستان نه تنها فریاد مردم افغانستان را به آسمان بلند ساخته، بلکه فریاد موسسات امداد رسانی بین المللی را نیز بگوش همه جهانیان رسانده است. سازمان بین المللی حقوق بشر از وجود فضای ترس و ارباب در افغانستان خبر داده میگوید: عامل ایجاد چنین وضعیتی حضور فعال فرماندهان گروه های مسلح است که از حمایت ایالات متحده و متحدان آن کشور در افغانستان برخوردارند. سازمان نظارت بر حقوق بشر افزوده است که بنیادگرایی دینی در افغانستان روبه گسترش است و بهبودی حقوق زنان را با خطر مواجه ساخته است. ناظران حقوق بشر همچنین به موارد آدم ربائی، قتل و نقض حقوق بشر در افغانستان اشاره

و ابراز نگرانی کرده اند. گزارش سازمان نظارت بر حقوق بشر از نقض حقوق بشر توسط پولیس نیز سخن گفته و می افزاید که این اقدامات از حمایت برخی از اعضای ارشد دولت انتقالی برخوردار است.

حضور زنان در لویه جرگه قانون اساسی و پارلمان :

زنان افغان در لویه جرگه قانون اساسی افغانستان که در ماه قوس ۲۰۰۳ در کابل تدویر یافت، یک چهارم اعضای لویه جرگه را تشکیل دادند. در همین لویه جرگه تاریخی آنان همبستگی و اتحادشان را در حمایت از «ملالی جویا» نماینده زن جوانی که با اظهاراتش علیه جنگ سالاران باعث خشم آنان و جنجال زیاد شد، به نحو حیرت انگیزی به نمایش گذاشتند. و باز در همین لویه جرگه، زنان نماینده با قاطعیت روی یک ماده از قانون اساسی که تساوای حقوق اتباع افغانستان را به رسمیت می شناخت پافشاری کردند. آنان خواستار این بودند که ماده مذکور به طور شفاف و روشن بیان کند که «زن» و «مرد» در حقوق مدنی افغانستان در همه موارد دارای حقوق برابر و مساوی هستند، این ماده مطابق نظر نمایندگان زن تغییر کرد و در ماده ۲۲ قانون اساسی تصریح شده که: «هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع است. اتباع افغانستان اعم از زن و مرد در برابر قانون دارای حقوق و واجبات مساوی می باشند.» این اولین باری است که بطور مشخص بر تساوای حقوق زن و مرد تأکید میشود. در حالیکه در قوانین اساسی گذشته بطور عام با ذکر «تبعه» در قانون اساسی ۱۳۲۰ و «مردم» در قانون اساسی ۱۳۴۳ اکتفا شده است. (زنان افغان زیر فشار... ص ۵۳۴)

در نتیجه آنان پس از این در ارتقا به پستهای بلند دولتی مانع حقوقی ندارند. به پیروی از این دست آورد قانونی، زنان که از جنگ واز هر چه جنگسالاران است متنفر اند، علی رغم تهدیدهای گروه طالبان و سایر نیرو های شبه



نظامی، آماده شرکت و وسیع خود در انتخابات ریاست دولت شدند و در یک روز نسبتاً سرد به پای صندوقهای رأی رفتند و با ریختن رأی خود به شخص مورد نظر و غالباً به آقای کرزی ثابت ساختند که آنان قلباً خواهان دموکراسی و حکومت قانون اند. حامد کرزی پس از انتخابش به حیث نخستین رئیس جمهور منتخب، سه نفر از زنان منور هریک دکتر مسعوده جلال را به حیث وزیر امور زنان و خانم صدیقه بلخی را به حیث وزیر شهادت و معلولین و خانم آمنه افضلی را به حیث وزیر امور جوانان در کابینه اش شامل ساخت و خانم حبیبه سرابی سابق وزیر امور زنان را بحیث نخستین والی زن در ولایت هزاره نشین بامیان منصوب کرد. اینان با حضور خویش نقش زنان را در اداره امور کشور به نمایش میگذارند و امیدواری زنان افغان را به بهبود وضع اجتماعی شان بیشتر ساخته اند.

سه‌مگیری زنان افغان در انتخابات

گرچه در حال حاضر ۲۵ درصد از کرسی های پارلمان افغانستان در اختیار زنان است اما سیاستمداران و فعالان سیاسی زن غالباً با ارباب و حتی خشونت روبرو می شوند. آزادی زن افغان بر اساس سنت ها، بحرانهای پی در پی و فرهنگ مرسوم این کشور کاملاً محدود است. حجاب یک امر قانونی نیست، بلکه برای رفع خشونت یک ضرورت فردی برای زن است. پوشش چادری یا برقع را هر زن با در نظر داشت رسوم محلی، رعایت می کند. برای هر زن در هر موقعیتی که باشد گرفتن اجازه از شوهر برای بیرون آمدن از منزل امری حتمی است. در حال حاضر در اکثر نقاط افغانستان زنان در رسانه های همگانی حضور دارند. رادیو های محلی نیز برنامه هایی ویژه را در ارتباط با حقوق زن پخش می کنند. در افغانستان همچنین نشریه های ویژه زنان چاپ می شود.

با مطالعه این کتاب، انسان در می یابد که تاریخ دوبار بر روی زنان افغان لخبند زده است: یکی در دوره امانی که زن حق رفتن به مکتب و آموزش عصری و روی لوچی را پیدا کرد ، و دیگری در دوره ظاهرشاه و حکومت سردار محمد داوود از ۱۹۵۹-۱۹۷۸ در قرن بیستم. از اظهار این واقعیت نباید ابا داشت که زنان اگر در عمر خود نفسی براحث کشیده باشند، این نفس راحت را در نظام شاهی مملو از امنیت جانی و بخصوص در دوران صدرات داوودخان بعد از آنکه فرصت یافتند تا از زیر چادری سر برد آورند، کشیده اند و در ادامه آن در نظام جمهوری محمد داوود، زنان از حقوق شایسته مدنی و انسانی خود برخوردار بودند و میتوانستند دوشادوش مردان با روی باز به تحصیل بپردازند و دوشادوش مردان در کار و فعالیت های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و سیاسی سهم بگیرند

و نقش خود را در پیشبرد امور مختلف زندگی به طور شایسته و در عرصه آموزش و پرورش به نحو تحسین برانگیزی ایفا نمایند. البته در نظام حزب دموکراتیک خلق نیز زنان از حقوق مدنی تحصیل و ارتقا به مقامات بلند دولتی و نظامی و سازمانهای سیاسی برخوردار بودند و نقش موثری در تعلیم و تربیت اولاد وطن داشتند.

در این نظامها که دین از سیاست و کار دولت مداری جدا بود، و هیچ ملا و مولوی در رأس وزارتخانه ای قرار نداشت، کسی برای پوشیدن لباس اروپائی و یا گذاشتن ریش و بروت یا به تن کردن پیراهن و تنبان و یا بیرون رفتن زن با مرد با موی برهنه از منزل، مورد بازخواست و تنبیه قرار نمی گرفت و سیمای عمومی جامعه به یک جامعه عصری و مدرن میماند. مراجع قانونی رسیدگی به شکایات مردم معلوم و صلاحیت هر ارگان دولتی مشخص بود. شهر کابل بحیث پایتخت کشور در سیمای یک شهر مدرن جان میگرفت و کارخانه جات تولیدی و رشد صنایع دستی در مرکز ولایات نوید از توسعه صنایع ملی میداد. موسسات تحصیلی و آموزشی باسیر نورمال خود زمینه رشد استعدادهای جوانان و پژوهشگران افغان را در عرصه های مختلف به نمایش میگذاشت.

دردوره کوتای ثور (از اپریل ۱۹۷۸ - اپریل ۱۹۹۲)، با آنکه زنان نخستین قربانی خشونت و استبداد زورمندان تازه بدوران رسیده بودند، معهدا در ساحات تحت حاکمیت حزب، امکانات تحصیل و کار برای زنان مثل دوره جمهوری داودخان فراهم بود و میتوانستند با روی باز در کار و فعالیت های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و سیاسی سهم بگیرند. اما باروی کار آمدن تنظیم های جهادی و سپس طالبان، زنان افغان، این نیم پیکر جامعه دوباره از حقوق و آزادی های مدنی و سیاسی و فرهنگی خود محروم گشتند و دوباره در زندان چادری و چار دیواری خانه عقب رانده شدند.

خلاصه من در هر فصل مطرح شده در این کتاب نکات بکر و تازه ای را خواندم که تا کنون در هیچ کتاب یا اثری خوانده بودم. از این جهت دقت و توجه و زحمت کثیف مؤلف را در گرد آوری مطالب مندرج و انسجام و طبقه بندی منطقی فصول این کتاب، قابل قدر دانسته به مؤلف تبریک میگویم و داشتن آنرا برای اهل مطالعه و بخصوص برای زنان کشور توصیه میکنم تا اگر میخواهند از وضعیت حقوقی و موقف اجتماعی خود در افغانستان در طول قرون بخوبی آگاهی حاصل نمایند بهتر است یکبار این کتاب را بخوانند و از محتویات آن خود را آگاه کنند تا بدانند که زنان مظلوم کشور ما تا کنون چه رنجها و چه غمها و چه مصیبت هایی را برای رسیدن به مرحله کنونی دیده و کشیده اند.

در حال حاضر زنان از حق کار در ادارات دولتی و رفتن به مکتب برخوردارند و در فعالیت های مدنی و سیاسی چون انتخابات پارلمانی و شوراهای ولایتی سهم میگیرند. اکنون در پارلمان از هریک از ولایات کشور دو نماینده زن، مجموعاً تعداد ۶۸ تن زن در پارلمان افغانستان عضویت دارند که بیش از یک چهارم نمایندگان پارلمان افغانستان را تشکیل میدهند. برخی از این زنان از سطح بالای دانش و آگاهی سیاسی برخوردارند که اهلیت اجرای کارهای مهم اداری را دارند و برخی هم روی مصلحت های قومی و گروهی به پارلمان حضور یافته اند که توانائی چندانی در دفاع از حقوق خود را ندارند.

پایان